

بررسی ارتباط و نوع سبک زندگی اسلامی ایرانی با تمدن سازی نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی)

نویسنده: بتول فلاح مراد^۱

فصلنامه (علمی-تخصصی) مطهر، سال پانزدهم، شماره ۴۶، پاییز ۱۳۹۷

چیده

بعد از صدور بیانیه گام دوم انقلاب از سوی مقام معظم رهبری، افراد صاحب نظر بسیاری به تحلیل و توضیح آن پرداختند. ما نیز در قالب یک مقاله علمی به بند هفتم از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در حوزه سبک زندگی اسلامی ایرانی، ورود انقلاب اسلامی به دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی نوین اسلامی، رابطه و نوع سبک زندگی در روند تمدن سازی پرداخته ایم.

در تبیین این مقاله از روش تحلیلی استفاده شده و در پنج مرحله زیر سازماندهی شده است که عبارتند از روش مند بودن شامل بررسی علت عدم پیشرفت در حوزه سبک زندگی و تمدن سازی نوین اسلامی، مسئله مند بودن در برگیرنده مفاهیمی همچون تحقق مراحل انقلاب اسلامی، پرهیز از کلی گویی و پرداختن به جزئیات و کاربردی بودن روش ها، نیاز سنجی و شناسایی آنچه در دین و فرهنگ ما به عنوان پایه های گفتمان توحیدی برای زندگی ایرانیان وجود دارد، آسیب شناسی و رصد بی توجهی ها، کم کاری ها، واداده گی ها به غرب در جبهه خودی و برنامه های با بغض و کینه دشمن در این حوزه. در نتیجه معرفی یک گفتمان برتر و اصیل در حوزه سبک زندگی و تمدن سازی نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری تبیین شده است.

واژگان کلیدی: بیانیه گام دوم انقلاب، سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی ایرانی، تمدن سازی نوین اسلامی

انقلاب اسلامی ایران همواره کانون توجه سیاست مداران، صاحب نظران علوم اجتماعی، مردم و گروه‌های مختلف در جهان بوده است. این انقلاب دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که آن را از انقلاب‌های اجتماعی بزرگ جهان متمایز می‌کند. انقلابی که با توجه به پیشینه انقلاب‌های گذشته، کمتر کسی وقوع آن را پیش بینی می‌کرد. حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز همواره بر این نکته تاکید داشته‌اند که انقلاب اسلامی نه یک حادثه منظومه‌ای بلکه یک واقعه تاریخی و آغاز یک عصر جدید است. از منظر ایشان، انقلاب اسلامی در چارچوب سنت الهی واراده خداوند بر حاکمیت دین در عصر غربت آن قابل تعریف است. این انقلاب به نام اسلام راه جدیدی را پیش پای بشریت نهاد. ایشان یک نظام و تمدن اسلامی و یک تاریخ جدید را قضیه‌ای جدی دانسته و از آن به «روز نو» مسلمانان تعبیر می‌کنند. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۳/۳/۱۱)

بیان مسئله: رهبر انقلاب در «بیانیه گام دوم انقلاب» با مرور تجربه چهل ساله انقلاب اسلامی اعلام کردند: انقلاب «وارد دومین مرحله گام دومی که باید به سوی آرمان» ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی «ارواحنا فداه» برداشته شود. بند هفتم از بیانیه گام دوم در حوزه سبک زندگی بیان شده است.

هدف اصلی: در این مقاله بررسی نوع سبک زندگی اسلامی ایرانی و ارتباط آن با تحقق تمدن سازی نوین اسلامی می‌باشد.

سوال اصلی: این گونه مطرح می‌شود که تبیین سبک زندگی اسلامی ایرانی در تحقق تمدن نوین اسلامی چه جایگاهی از منظر مقام معظم رهبری دارد؟

فرضیه اصلی: به زعم ایشان تبیین سبک زندگی اسلامی ایرانی از بن‌مایه‌های ساختن تمدن سازی نوین اسلامی می‌باشد.

پیشینه پژوهش: خاستگاه بحث «سبک زندگی» با این عنوان خاص، به عالم غرب برمی‌گردد که از عمر آن حدود صد و اندی سال می‌گذرد. این مفهوم در آغاز با مباحث طبقه و منزلت اجتماعی پیوند خورده بود. در اوایل قرن بیستم، از یک سو «سبک زندگی» فرصت تبیین‌هایی غیر مارکسیستی را فراهم کرد و از سوی دیگر بسیاری از جامعه‌شناسان، این اصطلاح را گویا تر از شاخصه‌های رایج در مطالعه طبقه‌بندی اجتماعی می‌دانستند. در غرب کارهایی در این موضوع صورت پذیرفته که به عنوان نمونه می‌توان به دیدگاه‌های آدلر، وبلن، زیمل، کانل و بودریو اشاره کرد، که برخی از آنها به طور صریح و برخی دیگر تلویحا این موضوع را مورد مطالعه و ملاحظه قرار داده‌اند. طرح علمی این موضوع برای نخستین بار در روانشناسی، از سوی آلفرد آدلر بود و سپس پیروان او آن را

گسترش دادند. سبک زندگی از دهه ۱۹۹۰ میلادی مورد بیشتری قرار بیشتری قرار گرفت و آثار و مقالات مختلفی با رویکرد های متمایز در این زمینه به رشته تحریر در آمده است. برخی آثار مکتوب فارسی نیز در این زمینه منتشر شده است. (مجله معارف، ش ۹۶، ۱۳۹۲) پیشنهاد پژوهش در مطالعات دینی: مطالعات در این حوزه زیاد انجام نگرفته است. تنها در بعضی مولفه ها مانند تغذیه، ورزش و اوقات فراغت آن هم مختصر، به دیدگاه های دینی پرداخته شده، ولی هیچ الگویی برای سبک زندگی اسلامی ارائه نشده و نوشته جامعی در این حوزه وجود ندارد یعنی نوشته ای که اولاً همه ابعاد را لحاظ کرده باشد، ثانیاً انسجام همه ابعاد را با هم لحاظ کرده باشند، وجود ندارد

خلاء پژوهشی در این مورد می توان به این موضوع اشاره کرد که با بررسی تحقیقات انجام شده در این حوزه می توان دریافت اکثر محققان و پژوهشگران به موضوع سبک زندگی در گذشته و حال پرداخته اند. در این مقاله سعی بر این شده است که رابطه و نوع سبک زندگی اسلامی ایرانی که توسط مقام معظم رهبری به آن پرداخته شده است، با موضوع مهمی مانند تمدن سازی نوین اسلامی پیوند داده شود. در انجام این پژوهش از روش تحلیلی استفاده شده است.

مفاهیم و چهار چوب نظری

مقام معظم رهبری در سخنرانی خود در خراسان شمالی به موضوع مهم سبک زندگی پرداختند. ایشان ابتدا تعریفی از پیشرفت در دو مفهوم، اسلامی و غربی و در دو بخش ابزاری و متنی ارائه نموده و در نتیجه به هدف انقلاب اسلامی یعنی رسیدن به تمدن نوین اسلامی پرداختند. بدون شک ایجاد یک تمدن بزرگ احتیاج به نظریه پردازی، تولید علم، هدف و برنامه، ابزار، زیر ساخت ها و مولفه هایی مانند استقلال، عدالت، اقتدار، امنیت و اعتبار بین المللی دارد.

الف. تعریف پیشرفت

پیشرفت در مفهوم اسلامی، انتزاعی و ذهنی با هدف فلاح و رستگاری و نجات در نتیجه زندگی راحت و برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی تعریف می شود. پیشرفت در مفهوم غربی، کارکرد گرایانه و عینی و بنابر اصل اصالت سود و لذت تعریف می شود. برای دستیابی به پیشرفت همه جانبه به معنی تمدن سازی نوین اسلامی باید در دو بخش ابزاری و متنی به آن پرداخته شود.

در بخش ابزاری ارزش های پیشرفت شامل علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی، اعتبار بین المللی، تبلیغ و ابزار های تبلیغ می شود. و در بخش حقیقی

و متنی شامل سبک و متن زندگی می شود. به زعم ایشان اگر پیشرفت در بخش متنی نداشته باشیم، پیشرفت در بخش ابزاری ما را رستگار نمی کند و به ما امنیت و آرامش نمی دهد. در غرب همه جور پیشرفت هست، اما افسردگی، ناامیدی، از درون به هم ریختن، بی هدفی و پوچی و عدم امنیت انسان در خانواده و اجتماع هست.

ما اگر پیشرفت همه جانبه را به معنای تمدن سازی نوین اسلامی بگیریم - بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ اینجور بگوئیم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این محاسبه‌ی درستی است - این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید. آن بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزشهایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح میکنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. البته ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته‌ایم. اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل میدهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزندان، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخشهای اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است. (۱۳۹۱/۷/۲۳) بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی)

ب. تعریف سبک زندگی

سبک زندگی (life style) به بخشی از فرهنگ اطلاق می شود که به رفتار ظاهری (بیرونی) انسان و همچنین به ظاهر انسان بر می گردد که قابل مدیریت است. در سبک زندگی، به ظاهر رفتار، فرم ها و قالب های بروز احساسات پرداخته می شود. به بیان دیگر سبک زندگی یعنی ظاهر زندگی انسان که در اثر بینش ها، ارزش ها، باور ها و غیره پدید می آید. الزاما سبک زندگی فرد، معلول عقاید او نیست. برای مثال ممکن است فردی مدلی از لباس را انتخاب کند که غربی است اما به ارزش های غربی عقیده نداشته باشد. (خطیبی، ۱۳۹۱) در رشته مطالعات فرهنگی، سبک زندگی، به مجموعه رفتار ها، مدل

ها و الگوهای کنش‌های هر فرد اطلاق می‌شود که، معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی او باشد و نشان‌دهنده کم و کیف نظام باور ها و کنش‌ها و واکنش‌های فرد و جامعه می‌باشد. (نوروزی، ۱۳۹۲) سبک زندگی، نظام واره و سیستم خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه، هویتی خاص می‌بخشد. این نظام واره، هندسه کلی رفتار بیرونی است که افراد، خانواده‌ها و جوامع را از یکدیگر متمایز می‌کند. از این حیث، سبک زندگی مجموعه‌ای کم و بیش منسجم از عملکردهای روزمره یک فرد است که نه تنهی برآورنده حاجات مادی و معنوی وی است، بلکه متضمن فہوایی فلسفی نیز هست. این فہوای فلسفی، همان روایت خاصی است که وی با سبک زندگی خود آن را در برابر دیگران تجسم و تجسد می‌بخشد. (سایت جامعه فرهنگی شهید آوینی)

رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است: هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد میشود. یک نقطه‌ی اصلی وجود دارد و آن، ایمان است. یک هدفی را باید ترسیم کنیم - هدف زندگی را - به آن ایمان پیدا کنیم. بدون ایمان، پیشرفت در این بخشها امکان‌پذیر نیست؛ کار درست انجام نمیگیرد. مسئله‌ی ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد. (۱۳۹۱/۷/۲۳) بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی

ج. مفهوم تمدن سازی نوین اسلامی

از میان همه ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد و در میان ملت‌هایی که به پا خاسته‌اند و انقلاب کرده‌اند کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پرشکوه ملت ایران که بزرگترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که چله پر افتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است. (بیانیه گام دوم انقلاب. ۹۷/۱۱/۲۲)

اهداف و آثار انقلاب اسلامی ایران را در سطوح زیر می‌توان تعریف کرد. (محمدی

منوچهر، ۱۳۹۴)

• سطح ملی

۱. تأسیس نظام سیاسی دینی

۲. شکل گیری جامعه ولایی شامل امت ولایی و ولایت مدار، رهبر ولایی (ولایت فقیه)

و مکتب ولایی

• سطح جهان تشیع

۱. خروج از حاشیه و استقرار در مرکز جهان اسلام

۲. الگوی مبارزات آزادی بخش

۳. جهانی شدن گفتمان شیعه

• سطح جهان اسلام

۱. بیداری اسلامی

۲. بازگشت به خویشتن خویش

• سطح جهان مستضعفین (جهان سوم)

• سطح نظام بین الملل

• سطح تمدنی و اعصار تاریخ

انقلاب اسلامی همچون پدیده ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آماده تضییع خطاهای خویش است، اما تجدیدنپذیر و اهل انفعال نیست. انقلاب اسلامی پس از نظام سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی بیند بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می کند. (بیانیه گام دوم انقلاب) از دیگر تفاوت های انقلاب اسلامی با سایر انقلاب ها می توان از موارد زیر نام برد. تقابل با نظام دو قطبی و نظام وست فالیایی، شکل گیری دو اردوگاه سلطه گران و اردوگاه سلطه ستیران، آغاز یک منازعه همه جانبه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و نظامی. تولید شیوه های خاص خود و با الگو گیری از انقلاب اسلامی. منشع بیداری انسانی عصر جدید در راستای اهدافی چون عدالت و آزادی در پرتو توحید و نبوت و معاد است. (محمدی منوچهر. ۱۳۹۲)

آرنولد توین بی: ظهور اسلام نقطه عطفی بر پایان تمدن یونان باستان و آغاز شکوفایی و گسترش تمدن اسلامی بود. رنسانس، نقطه عطف بر پایان فراگیر شدن دوره اسلامی و آغاز فراگیری تمدن غرب و مدرنیته بود. پیروزی انقلاب اسلامی، نقطه عطف و نوید دهنده آغاز تمدن جهانی اسلامی بر پایه بازگشت به دین خداوند می باشد. هانتینگتون رئیس مرکز مطالعات استراتژیک هاروارد معتقد است مفهوم پارادایم تمدنی یا روح تمدنی از نقطه ای به نقطه دیگر منتقل می شود. هر بار علایقی خاص داعیه دار روح تمدنی در سراسر جهان می شود. برای دوام تمدن غرب باید خانه بعدی روح تمدنی را شناخت و آن خانه را تخریب کرد. تخریب خانه بعدی روح تمدن لزوماً به معنی جنگ نیست و می توان تضعیف حوزه های تمدنی را در دستور کار قرار داد یا اینکه در صدد حل کردن

مفاهیم تمدنی در اصول غربی برآمد. ایران به علت برخورداری از حکومت متفاوت مبتنی بر تعالیم الهی وضعیتی متفاوت دارد. ایران برای غرب تنها یک دشمن سیاسی نیست، بلکه دشمن تمدنی نیز هست. دشمنی که در ذهن خود انهدام کامل تمدن غرب را می‌پروراند. (محمّدی منوچهر. ۱۳۹۲)

بنابراین مظاهر تمدنی غرب مورد هجمه قرار می‌گیرد و موضوع برای غرب نگران کننده تر می‌شود. برخی مسائل برای غرب عرفی، جنبه قدسی داشته و دارند و حیات غرب در پیوند با آن‌هاست. عناوینی نظیر، لیبرال دموکراسی به عنوان یک مدل حکومتی یا هلوکاست یا ۱۱ سپتامبر به بهانه تفوق و سلطه از ناحیه اسلام سیاسی و اسلام شیعی مورد تهدید قرار می‌گیرد. اسلامی که داعیه دار تمدن سازی است و به مماشات تن نمی‌دهد.

د. بررسی ارتباط و نوع سبک زندگی با تمدن سازی نوین اسلامی

۱. یافتن علت عدم پیشرفت در حوزه سبک زندگی

حضرت آیت الله خامنه‌ای با بررسی علت عدم پیشرفت و عیوب اساسی زندگی، دلایل آن را این گونه شرح می‌دهند: عیوب اساسی در سبک زندگی ما است؛ این دیگر مربوط به مسئولین نیست، مربوط به خود ما و شما آحاد مردم است. ما در سبک زندگی مشکلاتی داریم: یکی از مشکلات ما، مصرف‌گرایی است؛ یکی از مشکلات ما، اسراف و زیاده‌روی و زیاد خرج کردن است؛ یکی از مشکلات ما رفاه‌طلبی افراطی است؛ یکی از مشکلات ما اشرافیگری است. اشرافیگری متأسفانه از طبقات بالا سرریز می‌شود به طبقات پایین؛ آدم متوسط - [یعنی] از قشرهای متوسط - هم وقتی می‌خواهد میهمانی بگیرد، وقتی می‌خواهد عروسی بگیرد، مثل اشراف عروسی می‌گیرد. این عیب است، این خطا است، این ضربه‌ی به کشور می‌زند. زیاد مصرف کردن، زیادی خواستن، زیادی خوردن، زیادی خرج کردن، جزو عیوب مهم ما است در سبک زندگی ما. (۱۳۹۷/۰۱/۰۱) بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی)

مسجد، [هم] پایگاه مقاومت است، هم [پایگاه] رشد فعالیت‌های فرهنگی و هدایت فرهنگی و بصیرت فرهنگی [است]؛ در دل فرهنگ، سیاست هم هست. این را هم عرض بکنیم که معنای سیاست فقط این نیست که انسان طرف‌دار زید و مخالف عمرو باشد یا بعکس؛ سیاست یعنی نگاه به حرکت عمومی جامعه که کدام طرف داریم می‌رویم؛ آیا به سمت هدفها داریم حرکت می‌کنیم یا زاویه گرفته‌ایم و داریم از هدفها دور می‌شویم؟ معنای واقعی سیاست این است. آن وقت در خلال این نگاه، تکلیف آدمها و اشخاص و گروه‌ها و احزاب و جریانها روشن می‌شود که آیا داریم به سمت عدالت اجتماعی می‌رویم؟ آیا داریم به سمت استقلال واقعی دینی می‌رویم؟ آیا داریم به سمت ایجاد تمدن اسلامی

میرویم، آیا داریم به سمت ایجاد تمدن اسلامی میرویم، یا داریم به سمت وابستگی به غرب و وابستگی به آمریکا و تحت تأثیر قرار گرفتن نسبت به بافته‌ها و یافته‌های بی‌غز غربی حرکت می‌کنیم؟ این خیلی مسئله‌ی مهمی است که سبک زندگی ما، ما را به کدام طرف دارد میکشاند؛ این نگاه، نگاه سیاسی است که می‌بینید از فرهنگ سرچشمه میگیرد؛ بنابراین در دل فرهنگ، سیاست هم هست. (۱۳۹۵/۰۵/۳۱) بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران

۲. یافتن روش و گفتمانی که ناظر به رفع آسیب‌ها باشد

پس از بررسی و شناسایی علت عدم پیشرفت در حوزه سبک زندگی توسط مقام معظم رهبری، از نخبگان فکری و جوانان می‌خواهند که روش و گفتمانی را طرح ریزی نمایند که ناظر به رفع آسیب‌ها باشد.

سبک زندگی اسلامی ایرانی را در اندیشه و عمل دنبال کنید؛ مسئله‌ی مهمی است. بنشینید رویش فکر کنید، مصداقهایش را مشخص کنید، بعد خودتان عمل کنید و این را به عنوان دستورالعمل [منتشر کنید]؛ فرض کنید یک جزوه منتشر بشود در مورد سبک زندگی اسلامی؛ کار شما جوانها است که هم حوصله دارید، هم استعداد دارید، هم مغزش را دارید، [هم] توانایی‌اش را دارید. (۱۳۹۵/۰۴/۱۲) بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان در همه‌ی مسائل زندگی - در دانش، در مدیریت، در پیشبرد سبک زندگی، در حفظ ارزشهای انقلابی؛ در همه‌ی مسائل مهم - همین چند نکته، هم لازم است و هم ممکن؛ هم باید نوآوری و ابتکار را در همه‌ی کارها مورد توجه جدی قرار داد، هم زیبایی و چشم‌نوازی را، هم پُر مغز بودن و پُر مضمون بودن را؛ از کارهای سطحی در همه‌ی مسائل زندگی و مهم کشور باید صرف نظر کرد و به کارهای عمیق، پُر مغز و ماندگار توجه کرد. (۱۳۹۴/۰۲/۳۰) بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام

۳. پرهیز از کلی‌نگری (پرداختن به جزئیات و کاربردی بودن آن‌ها)

یکی از راه‌هایی که می‌توان به درک بهتری از مفهوم سبک زندگی از نظر اندیشمندان گوناگون دست یافت، بررسی عناصر و مولفه‌هایی است که آنان برای سبک زندگی بر شمرده‌اند و یا در تحقیقات خود از آن به عنوان شاخص بهره‌برده‌اند. عناصری که زیمل، وبلن و وبر در آثار خود از آن‌ها یاد کرده‌اند، عبارت از شیوه تغذیه، خودآرایی (نوع پوشاک و پیروی از مد)، نوع مسکن (دکوراسیون معماری و اثاثیه)، نوع وسیله حمل و نقل، شیوه‌های گذران اوقات فراغت و تفریح و مانند آن می‌باشد. در دو دهه اخیر دانشمندان علوم اجتماعی، شاخص‌های متعددی را برای سبک زندگی ارائه نموده‌اند. (مظاهری، رحیمی، ابراهیم پور ۱۳۹۶)

مولفه های تاثیر گذار در سبک زندگی از دیدگاه رهبر انقلاب در پنج حوزه فکر و اندیشه، خلیات اجتماعی، خلیات فردی، خانواده و کسب و کار دسته بندی می شود. فکر و اندیشه شامل مولفه هایی مثل ایمان، علم و آگاهی، پرهیز از تقلید، توجه به نماد های دینیو توجه به ارزش های فرهنگی و تاریخی می باشد. خلیات فردی شامل مولفه هایی مثل لباس و پوشش، خوارک و آشپزی، سفر و تفریح و اصلاح الگوی مصرف می باشد. خانواده، مولفه هایی مانند سبک ازدواج، سبک روابط اجتماعی در درون خانواده و سبک تولید مثل باید اصلاحات جدی شود. خلیات اجتماعی شامل مولفه هایی مثل انضباط اجتماعی و قانون مداری می باشد. کسب و کار شامل مولفه هایی مثل وجدان کاری و روحیه کار جمعی می باشد.

۴. پرهیز و مقابله با اشرافیگری

به زعم ایشان از مولفه های سبک زندگی، پرهیز و مقابله با اشرافیگری می باشد که در دیدار با جمعی از جوانان و نمایندگان مجلس با تاکید بر استفاده از کالای ایرانی بر نفی وابستگی فکری و ذهنی نسبت به کالای خارجی تاکید نموده اند.

مقابله با اشرافیگری؛ یعنی در افکار عمومی، اشرافیگری نفی بشود. وابستگی فکری نفی بشود. بحث کالای ایرانی مطرح است؛ مشکل عمده ای که بنده با آن برخورد کرده ام، یک مشکل ذهنی نسبت به کالای خارجی است که متأسفانه در یک قشر وسیعی در کشور وجود دارد که از موارث نحس و نجس رژیم طاغوت گذشته است؛ چشم به محصولات خارجی بود و هر چیزی، خارجی اش بهتر بود؛ البته کار داخلی قابل ذکری هم آن روز نبود؛ این هنوز باقی مانده. این مشکل، مشکل فکری است؛ یک حرکت عمومی فکری به وجود بیاید برای تحوّل در این احساسها. مثلاً اگر چنانچه ما بتوانیم این فکر را که «جنس خارجی بهتر است» از ذهنها پاک بکنیم، آن وقت خود مردم به طور طبیعی میروند دنبال کالای داخلی و برکات و خیرات این کار همه تحقق پیدا خواهد کرد. مطالبه سبک زندگی اسلامی - ایرانی، مطالبه ی فرهنگ دینی، مقابله با لابلالی گری و بی تفاوتی و بی حالی، مقابله ی با دین ستیزی؛ و همه ی اینها با حوصله و صبر و تدبیر. (۱۳۹۷/۰۳/۷) بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان

سئله ی اشرافیگری اگر چنانچه رایج شد، جزو سبک زندگی ما شد، آثار و تبعات آن و ریزشهایی که به وجود می آید، دیگر انتهائی ندارد، خیلی مشکل است، خیلی کار را مشکل خواهد کرد؛ این را بایست [در نظر] داشته باشید. (۱۳۹۷/۰۳/۳۰) بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی

۵. اجتناب از طرح و تصویب قوانین تحت تأثیر زندگی غربی

گفتیم قانون در پی حل مشکلات واقعی باشد؛ من ملاحظه کردم بعضی از قوانین مربوط به خانواده که در مجلس مطرح است و بحث میشود یا تصویب میشود، انسان احساس میکند که تحت تأثیر و اثرپذیری از رسوم غربی است؛ از این باید اجتناب بشود. غربی‌ها نسبت به خانواده هیچ‌گونه اهتمامی ندارند؛ نه اینکه نخواهند، [بلکه] شرایط و سبک زندگی غربی معارض با خانواده به معنای واقعی کلمه است؛ این را خودشان هم دارند میگویند و سالها است گرفتارش هستند؛ حالا میخواهند علاج کنند و نمیتوانند علاج کنند؛ یعنی بنیاد خانواده، نهاد خانواده در غرب بشدت تضعیف شده است. حالا ما بیایم چیزهایی را که اینها مثلاً راجع به زن و جوان و فرزند و پدر و مادر و مانند اینها در عرف خودشان دارند، در مسائل مربوط به خانواده راه بدهیم! نه، این مطرح نیست. ما برای خانواده بایستی قانونی را وضع کنیم که به معنای واقعی کلمه، حل‌کننده‌ی مشکلات خانواده‌ها باشد - [اگر] مشکلاتی وجود دارد، حل‌کننده‌ی این مشکلات باشد - تأثر از آن منطقه نباشد. (۱۳۹۷/۰۳/۳۰ بیانات در دیدار نمایندگان و کارکنان مجلس شورای اسلامی)

۶. نقش دین در نوع سبک زندگی

دین به عنوان نوعی از هدایت الهی، دگرگونی و آثار عمیق و وسیعی را در اندیشه و روح انسان پدید می‌آورد. در پرتو این دگرگونی که نظام شناخت‌ها و باورها، ارزش‌ها، گرایش‌ها، رفتارها و کردارهای انسان را بر می‌گیرد، استعدادهای درونی شکوفا و هدایت می‌شود و مسیری ویژه به تکامل می‌رسد. دین می‌تواند در باره خدمت گرفتن شاخص‌های مناسب فرهنگ گذشته، اگر مغایرتی با آموزه‌های دینی نداشته باشد، توجه و آن را تأیید می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ۱۵)

به عقیده صاحب نظران، سبک زندگی هر فرد و جامعه متأثر از نوع باورها (جهان بینی) و ارزش‌های حاکم بر آن فرد و جامعه است. مشخص است که جهان بینی مادی و ارزش‌های لذت‌گرایانه طبیعتاً سبک زندگی خاصی را پدید می‌آورند. همان‌طور که جهان بینی الهی و ارزش‌های کمال‌گرایانه و سعادت‌محورانه سبک خاصی از زندگی را شکل می‌دهد. (شریفی، ۱۳۹۱: ۳۴)

سبک زندگی از دیدگاه اسلام به مجموعه‌ای از موضوعات مورد قبول اسلام در عرصه زندگی اشاره دارد که بر اساس، معیار رفتار ما باید مبتنی بر اسلام و آموزه‌های اسلامی باشد. خدا محوری و حاکمیت ارزش‌های اسلامی در زندگی از مهم‌ترین معیارهای سبک زندگی مورد تأیید اسلام است. در واقع در این سبک زندگی، زندگی فردی و اجتماعی افراد باید مبتنی بر و رهنمودهای قرآنی باشد. اسلام با احکام جاودانه خود

سبکی آرمانی و در عین حال واقع گرایانه را پیش نهاد نموده است که مبتنی بر نگرش متعالی به هستی و انسان است و آدمی را موجودی مسئول و مختار می داند که سرنوشت او به دست خودش رقم می خورد. در این سبک زندگی، غایت آموزه های دینی رهایی از سبک زندگی غیر اسلامی و رسیدن به حیات طیبه می باشد. در اسلام، سبک زندگی بر اساس محور اعتقادات، اخلاقیات و وظایف عملی (عبادات) استوار است. تعالیم اسلام تمام وظایف زندگی را پوشش می دهد و سبک زندگی بر گرفته شده از آن مطابق با فطرت بشریت است.

اگر بخواهیم وجوه گوناگون سبک زندگی را در چارچوب آموزه های دین اسلام، مطالعه و وضعیت هنجاری و شایسته ی آن را از این آموزه ها استنتاج کنیم، باید به بررسی جنبه های متعدد و متنوع سبک زندگی در سه سطح کلی نگرش، گرایش و کنش بپردازیم. بخش نگرش ناظر بر مجموعه ای نظام مند از باورهای دینی است که هویت انسان بر اساس آن تعریف و ترسیم می شود. بخش گرایش حاکی از ارزش ها و هنجارهایی است که به سلیقه و توانایی ترجیح افراد و گروه های اجتماعی جهت می دهد. بخش کنش نیز مشتمل بر الگوها و شیوه های رفتارهای عینی بر گرفته از آموزه های اسلامی است. بدین ترتیب، سرمایه فرهنگی برآمده از کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی از جهان بینی و نظام معنایی دین اسلام در کنار نمادهای آئینی و شعائر دینی می تواند مجموعه پیروان اسلام را به شکل منسجم در شکل دهی ارزش ها و هنجارهای اجتماعی و سلاقی و ترجیح های برآمده از آن یاری دهد. البته این موضوع می تواند به شکل گیری الگوهای ویژه ای برای زندگی بی انجمد و نوعی از سبک زندگی دینی را پدید آورد. (صدیق. سروستانی و هاشمی، ۱۳۸۱، ۱۵۰)

مولفه های سبک زندگی اسلامی را می توان چنین دسته بندی کرد: مولفه های اجتماعی، مولفه های عبادی، مولفه باور ها به مفاهیم هستی شناختیف مولفه اخلاق و غیره. (مظاهری، رحیمی، ابراهیم پور ۱۳۹۶)

۷. انطباق نیازهای جدید زندگی امروز با اصول توحیدی

مقام معظم رهبری در اردیبهشت ماه ۱۳۹۸ در جمع طلاب حوزه های علمیه وظیفه محقق کردن حقایق دین اسلام در متن زندگی مردم را بر عهده حوزه های علمیه گذاشته و فرمودند: حوزه های علمیه، مرکز تعلیم اسلامند. اسلام فقط معرفت نیست، تعهد به عمل و تحقق احکام اسلام هم جزو اسلام است؛ [یعنی] اصول دین، فروع دین، ارزشهای اخلاقی، سبک زندگی، آئین حکمرانی، اینها همه جزو اسلام و جزو معارف اسلامی است. این بخشی از کار حوزه های علمیه است؛ چرا؟ چون این بخشی از اسلام است؛ بخش دیگر

اسلام عبارت است از محقق کردن این حقایق در متن جامعه، در متن زندگی مردم، یعنی هدایت؛ این بخشی از اسلام است دیگر. اسلام فقط توحید به معنای علم توحید با همان عمق و معرفت عرفانی و فلسفی و [مانند] اینها نیست، بلکه اسلام عبارت است از استقرار توحید در جامعه؛ یعنی جامعه موحد بشود؛ این هم جزو اسلام است. (۱۳۹۸/۰۲/۱۸) بیانات در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه

همچنین ایشان در پاسخ به سوال که نقش آفرینان تمدن اسلام چه کسانی هستند، علمای دین را دارای محوری ترین نقش دانسته و فرمودند: بدون شک مدیران جامعه جزو نقش آفرینانند، سیاستمداران جزو نقش آفرینانند، متفکران جزو نقش آفرینانند، آحاد مردم هر کدام به نحوی می توانند در خور استعداد خود نقش آفرینی کنند، اما نقش علمای دین یک نقش یگانه است، نقش منحصر به فرد است. مدیران جامعه هم برای اینکه بتوانند درست نقش آفرینی کنند به علمای دین احتیاج دارند. سیاستمداران و فعالان سیاسی در جامعه نیز همینطور. محیط های گوناگون علمی و روشنفکری نیز همینطور ... نقش آفرینی را به علمای دین منحصر نمی کنیم اما جایگاه نقش آفرینی علمای دین را از همه جایگاه های دیگر برجسته تر می بینیم، به این دلیل روشن که در این راه اندیشه دینی و ایمان دینی برای انسان ها لازم است، تولید فکر اسلامی برای این راه ضروری و لازم است و اگر علمای دین سر صحنه نباشند دیگری نمی تواند این کار را انجام دهد.

۸. ویژگی های انسان مطلوب اسلام

ما ملامتی هستیم با آرمانهای بلند، با حرفهای بزرگ، با قللهای ترسیم شده‌ای - که میخواهیم خودمان را به این قللهها برسانیم. این احتیاج دارد به انسانهای صبور، عاقل، متدین، اهل ابتکار، اهل اقدام، دور از نبلی، مهربان، عطوف، دارای حلم، دارای شجاعت، با رفتارهای مؤدبانه، پرهیزگار و انسانهایی که درد دیگران، درد آنها محسوب بشود.

بافت انسان و قالب و تراش یک انسان مطلوب اسلام چیزی است که با تربیت حاصل میشود. همه‌ی انسانها هم قابل تربیتند. همه‌ی انسانها در معرض تغییر و تبدیلی هستند که با تربیت حاصل میشود. (۱۳۹۷/۰۲/۱۷) بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور

۵. آسیب شناسی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی جریان هایی در داخل و خارج رو به روی انقلاب ایستادند. برخی از همان نخست انقلاب اسلامی را در تقابل با منافع خود دیدند. عده ای از ظن خود یار انقلاب شدند، بدون آن که فهم و درک درستی از مفاهیم و مبانی انقلاب داشته باشند. عده ای انقلاب اسلامی را موجی می دیدند که می شد سوار بر آن حرکت انقلابیون را دمی بعد از تثبیت انقلاب مصادره کرد. البته سر فصل همه این جریان ها استکبار بود.

در مقطعی از انقلاب، جریان هایی با موج انقلابیون همراه شدند که نمی توانستند نسبت واقعی با انقلابیون بر قرار کنند. این همراهی، همراهی مبنای نبود. برخی بر این باور بودند که بعد از پیروزی می توان روحانیت را خانه نشین کرد و انقلاب را مصادره کرد. عده ای خود را حامی امام می دانستند اما چون به عمق این اندیشه ها دست نیافته بودند و فقط سطحی همراه امام شدند، گرفتار لغزش شدند. مدل تمدنی قبل از انقلاب اسلامی و سکولاریته به عنوان یک ایدئولوژی حاکم بر همه جوانب زندگی بشری کوشید تا بعد از انقلاب خود را باز تولید کند و در این مسیر برنامه ریزی کرد تا از ذهن ها و قلم های انقلابیون نیز بهره برد. به این ترتیب پوسته نظام و ساختار آن اسلامی بود، اما در درون آن، نرم افزار انقلاب اسلامی جاری نشده بود.

۱. بی توجهی ها و کم کاری ها در جبهه خودی

از منظر حضرت آیت الله خامنه ای یکی از علت های عدم پیشرفت ها در حوزه سبک زندگی بی توجهی ها و کم کاری ها و وادادگی ها در جبهه خودی می باشد. عده ای که غرب را بزرگ می کنند و با توجه به در دست داشتن رسانه ها نمی گذارند افکار عمومی متوجه شیطنیت و شرارت باطنی دوت های غربی شوند.

در داخل متأسفانه بعضی ها غرب را بزرگ میکنند، بدی های غرب را توجیه میکنند، رتوش میکنند، نمیگذارند افکار عمومی متوجه بشود که همین دولتهای ظاهراًصلاح-مثل فرانسه، مثل انگلیس، مثل دیگران- در باطنشان چقدر شیطنیت و شرارت وجود دارد؛ مطبوعاتچی ها بینشان هست، رسانه ای ها بینشان هست؛ مثل تقی زاده. در دوره ی طاغوت، آدمی مثل تقی زاده، به این مضمون گفت که ایران باید از فرق سر تا ناخن پا غربی بشود؛ یعنی سبک زندگی در ایران باید غربی بشود. امروز هم تقی زاده های جدید از این حرفها میزنند؛ البته به این صراحت نمیگویند اما مضمون حرفشان این است. آنهایی که افکار غربی را، سبک زندگی غربی را، روشهای غربی را، لغات غربی را به طور پیوسته در داخل، در ادبیات ما، در افکار ما، در دانشگاه ای ما، در مدارس ما تزریق میکنند، پمپاژ میکنند، اینها همین تقی زاده های جدیدند. آنهایی که پشت سر سند ۲۰۳۰- سند ۲۰۳۰ یعنی برگرداندن سبک زندگی اسلامی به زندگی غربی- می ایستند، همان تقی زاده های امروز هستند؛ البته امروز به توفیق الهی جوانهای مؤمن ما و مردم انقلابی ما نخواهند گذاشت این تقی زاده ها حرفشان به کرسی بنشیند (۱/۰۱/۱۳۹۸ بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی)

۲. برنامه های با بغض و بینه دشمن

یکی دیگر از مراحل آسیب شناسی در بررسی علل عدم پیشرفت ها، رصد تهاجمات فکری و فرهنگی و رسانه ای دشمنان و انقلاب است. برنامه هایی که شخصیت و هویت و باورها و سبک زندگی اسلامی، ایرانی را هدف قرار داده است. ایشان همچنین در دیدار با فرماندهان گردان های بسیج به پروژه مهم نفوذ جریانی یعنی شبکه سازی در داخل ملت اشاره نموده و هدف از این نفوذ را تغییر نگاه و نتیجه به همان چیزی است یک آمریکایی ... می خواهد.

نفوذ جریانی، یعنی شبکه سازی در داخل ملت؛ به وسیله ی پول که نقش پول و نقش امور اقتصادی اینجا روشن میشود. عمده ترین وسیله دو چیز [است]؛ یکی پول، یکی هم جاذبه های جنسی. افراد را جذب کنند، دور هم جمع کنند؛ یک هدف جعلی و دروغین مطرح کنند و افراد مؤثر را، افرادی که میتوانند در جامعه اثرگذار باشند، بکشانند به آن سمت مورد نظر خودشان. آن سمت مورد نظر چیست؟ آن عبارت است از تغییر باورها، تغییر آرمانها، تغییر نگاهها، تغییر سبک زندگی؛ کاری کنند که این شخصی که مورد نفوذ قرار گرفته است، تحت تأثیر نفوذ قرار گرفته، همان چیزی را فکر کند که آن آمریکایی فکر میکند؛ یعنی کاری کنند که شما همان جوری نگاه کنی به مسئله که یک آمریکایی نگاه میکند -البته یک سیاستمدار آمریکایی، به مردم آمریکا کاری ندارد- همان جوری تشخیص بدهی که آن مأمور عالی رتبه ی سیا تشخیص میدهد؛ در نتیجه همان چیزی را بخواهی که او میخواهد. بنابراین خیال او آسوده است؛ بدون اینکه لازم باشد خودش را به خطر بیندازد و وارد عرصه بشود، شما برای او داری کار میکنی؛ هدف این است، هدف نفوذ این است؛ نفوذ جریانی، نفوذ شبکه ای، نفوذ گسترده؛ نه موردی. (۱۳۹۴/۰۹/۰۴)

بیانات در دیدار فرماندهان گردان های بسیج

رسالت دیگر این سازمان [تبلیغات اسلامی] رصد و مقابله ی هوشمندانه با تهاجمات فکری و فرهنگی و تبلیغی و رسانه ای دشمنان دین و انقلاب و کشور است. دشمنانی که نه امروز بلکه از چند دهه پیش، هویت و شخصیت و باور و رفتار و سبک زندگی اسلامی-ایرانی مردم خصوصاً جوانان را هدف قرار داده و با شیوه ها و ابزارهای متکی به فناوری های ارتباطی و رسانه ای اعم از هنر و سینما و فضای مجازی و غیره، درصدد تهي کردن انقلاب از عقبه ی دینی و ایمانی و مردمی آن می باشند. (۱۳۹۷/۰۵/۲۸) انتصاب حجت الاسلام محمد قمی به ریاست سازمان تبلیغات اسلامی

و. ایجاد گفتمان برتر و اصیل در حوزه تمدن سازی نوین اسلامی

۱. ظرفیت و ضرورت تبیین دستور العمل های تغییر ساختار زندگی

از منظر آیت الله خامنه ای به مثابه یک متفکر و اندیشمند اسلامی، هدف نهایی انقلاب اسلامی رسیدن به تمدن اسلامی در زنجیره ای منطقی و مستمر است که بر چهار رکن دین، عقلانیت، علم و اخلاق بنا شده است و برای تحقق آن بایستی ۵ مرحله انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی در مسیر تمدن سازی پشت سر گذاشته شود. پس از وقوع انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی (جمهوری اسلامی) که ارکان، عناصر و ابعاد آن در قانون اساسی متجلی است و البته هنوز به طور کامل تحقق پیدا نکرده است، عبور از سه گام دیگر در زنجیره تمدن سازی فرآیندی پیچیده است. بررسی بیانات ایشان نشان می دهد که برای تحقق این سه مرحله از زنجیره تمدن نوین اسلامی، پیمودن چهار گام لازم است که عبارتند از: تولید نظریه توسط حوزه علمیه، تولید علم توسط دانشگاه، کاربست در سطح خورد توسط گروه های خودجوش نخبگانی و گفتمان سازی که نهایتاً به تطبیق دولت و چارچوب های آن با چارچوب های دینی می انجامد، تفوق گفتمانی که منجر به ریل گذاری و تعیین مسیر حرکت می شود. با شکل گیری جامعه اسلامی اسوه، زمینه برای الگو گیری و آغاز تمدن اسلامی که تجلی کامل آن در عصر ظهور خواهد بود فراهم می گردد. (جهان بین، معینی پور، ۱۳۹۳، صص ۲۹-۴۶)

۲. تبیین بن مایه های زندگی توسط اسلام

در تعریف تمدن می توان آن را حاصل امتداد فرهنگ و پذیرش نظم اجتماعی دانست که در آن از مرحله بادیه نشینی خارج و در شاه راه نهادینه شدن امور اجتماعی و مدنیت گام گذاشته می شود. بر این اساس تمدن حاصل عینیت یافتگی و امتداد مبانی شناختی هنجاری است که در آن به سوالات بنیادین هستی شناختی، انسان شناختی و معرفت شناختی پاسخ داده می شود و بر آن اساس، ارزش ها و نیز هنجار ها که نسبت به ارزش ها انضمامی تر است تعیین می گردد و بر آن اساس نهاد ها شکل می گیرد و نهاد ها متکفل بازتولید نظام های نظری عملی اند. تفاوت تمدن ها از همین جانشعیت می گیرند و به عبارتی مدل های نظری عملی گوناگون، تمدن های مختلف را شکل می دهند و به عبارت ملموس تر، تمدن ها اشکال انضمامی شده مدل های نظری اند که انتزاعی اند. (جهان بین، معینی پور، ۱۳۹۳، صص ۲۹-۴۶)

آیت الله سید علی خامنه ای با رویکردی ایجابی و سلبی تمدن را تعریف می کند و برای تعریف تمدن توجه ویژه ای به ارکان و مبانی آن دارد. ضمن اینکه ایشان تمدن را

به ما هو تمدن تعریف نمی کند بلکه مستقیماً به تعریف تمدن با رویکردی اسلامی می پردازد. ایشان در تعریف تمدن اسلامی آن را تمدنی می داند که «با شاخصه های ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه پیشرفته و اخلاق والا همراه بوده و نقطه رهایی از جهان بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به لجن کشیده ای است که ارکان تمدن امروزی غرب اند.» (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۲/۰۲/۰۹) ایشان تمدن اسلامی جدید را بر پایه چهار رکن دین، عقلانیت، علم و اخلاق می دانند (همان: ۱۳۹۰/۰۶/۲۶) که «در آن، علم همراه با اخلاق، مادیات همراه با معنویت و دین و قدرت سیاسی همراه با عدالت است» (همان ۱۳۷۹/۰۷/۱۴)

۳. ارکان چهارگانه تولید مدل تمدن سازی

این ارکان راهنمای مدل خواهند بود که می توان به صورت زیر بیان کرد.

دین جامع: اولین و بنیادی ترین اصل در شکل گیری تمدن نوین اسلامی، «دین» است. باتوجه به گستره مفهوم دین به طور عمومی نمی توان تعریفی مورد اتفاق از دین ارائه داد. علی رغم گستردگی این تعاریف که ناظر به گستره و منشأ آن تعاریف متعددی می یابد، می توان در یک تعریف جامع، دین را مجموعه عقاید، قوانین و مقرراتی دانست که هم به اصول بینشی بشر نظر دارد و هم درباره اصول گرایشی وی سخن می گوید و هم اخلاق و شئون زندگی او را زیر پوشش دارد. به دیگر سخن، دین مجموعه عقاید، اخلاق و قوانین و مقرراتی است که برای اداره فرد و جامعه انسانی و پرورش انسان ها از طریق وحی و عقل در اختیار آنان قرار دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۰: ۲۷) از نظر امام خمینی نیز از آن جا که انسان دارای سه لایه عقلی، قلبی و ظاهری است و بعد عقلی نیازمند کمال، بعد اخلاقی نیازمند تربیت و بعد ظاهری او نیازمند عمل است، دستورات انبیا نیز می باید ناظر بر هر سه بعد باشد. (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۳۸۷) نگاه ایشان به دین کاملاً جامع و منطبق بر لایه های ساختاری وجود انسان و نیازهای بشر است، از این رو ایشان هم به فلسفه و عرفان که مربوط به بعد عقلی و روحی انسان است اهمیت می دهند، هم به اخلاق و تربیت که مربوط به بعد میانی وجود انسان است و هم به فقه و ظواهر شرع و از هیچ کدام به نفع دیگری عقب نمی نشینند. بر این اساس و با توجه به چنین دین شناسی منظومه ای و سیستمی، سیاست جایگاه برجسته ای در تحقق دین می یابد. به عبارتی می توان گفت، سیاست، مهندسی بعد ظاهری زندگی انسان، یعنی لایه ظاهری وجود بشر را بر عهده دارد. از این رو نفی سیاست به معنای نفی اسلام است. (امام خمینی، ۱۳۷۵: ۳۳۹)

عقلانیت: حضرت آیت الله خامنه ای با اشاره به اهمیت عقلانیت، تحقق آن را مهم ترین هدف رسالت نبی مکرم اسلام و یکی از ارکان چهارگانه تحقق تمدن نوین اسلامی می داند.

ایشان با توجه دادن به ویژگی های خرد انسانی که هادی به دین، توحید و مانع از ارتکاب اعمال صفيحانه و جاهلانه است، عقل را معیار و ملاک تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلامی می دانند. (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۸۸/۰۴/۲۹) بی شک این عقل، هم در جایگاه معرفتی باید متکفل پاسخ به سوالات بنیادین باشد. (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۱۲۲-۱۲۷)

علم: آیت الله سید علی خامنه ای علم را یکی دیگر از ارکان تمدن اسلامی میدانند و با تأکید بر کشف قوانین دنیا و مدیریت بر آن و نقش بی بدیل علم در این فرآیند معتقداند، شما باید روح علمی و علم گرایی را و اینکه این کون عظیم قاعده ای دارد و بر تمام اجزایش قانونی حکم فرماست ما از طرف دین مأموریم که این قانون را کشف کنیم که بتوانیم این کون را اداره کنیم، در جامعه گسترش دهید. بشر برای اداره این کون آمده است. بشر آمده که بر سنگ و چوب و درخت و روی زمین و زیر زمین حکومت کند، نیامده که محکوم این ها باشد. این حاکمیت بر روی زمین- که فلسفه وجودی و وظیفه اصلی بشر است- محقق نمی شود، مگر آن وقتی که شما قوانین زمین را بشناسید. تا این قوانین را شناسید، نمی شود. پس، این قوانین را با علم می شود شناخت. بنابراین روح علمی یک هدف مهم است. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۱۵) از منظر ایشان فردای بدون علم، تاریک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامی مجاهده علمی می باشد. علم از دیدگاه ایشان و با استناد به روایات سلطه آور است و جامعه صاحب علم را قدرتمند می سازد و کسانی که دنیای معاصر را از حیث علمی و عملی در چنبره خود دارند، دلیل اصلی آن این است که صاحب علمند. از این رهگذر است که تأکید فروان می کنند که باید علم را فراگرفت و بلکه بایسته است تولید کننده و صادر کننده آن شد و به مصرف آن نباید بسنده و دل خوش کرد. اما نکته مهم در این خصوص ابتاء محتوا و جهت این علم به مبانی دینی است. از نظر ایشان علم و دانش باید با معنویت گره بخورد و الا خسارات غیر قابل جبرانی به بار خواهد آمد. ایشان در ایشان در این زمینه می فرمایند: ما در تمدن اسلامی و در نظام مقدس جمهوری اسلامی که به سمت آن تمدن حرکت می کند، این را هدف گرفته ایم که دانش را همراه با معنویت پیش ببریم. ما می خواهیم علم با اخلاق پیش برود. دانشگاه همچنان که مرکز علم است، مرکز دین و معنویت هم باشد. متخرج دانشگاه های کشور مثل متخرج حوزه های علمیه دین دار بیرون بیاید. (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۰۶/۱۶) همچنین ایشان در بیانیه گام دوم بر این موضوع تأکید می کنند و می فرمایند: دانش، آشکارترین وسیله عزّت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دویست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیانهای اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی

غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. (۱۳۹۷/۱۱/۲۲) بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران)

اخلاق: از منظر آیت الله سید علی خامنه‌ای هوای لطیفی است که اگر در جامعه بشری وجود داشت، انسان می‌تواند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشند. (همان: ۱۳۸۸/۰۴/۲۹) در این عبارت، اخلاق عبارتست از هوای لطیف، یعنی انسان‌ها به همان مقدار به اخلاق نیاز دارند که به هوا نه به آب و نه به غذا. انسان ممکن است بدون آب و غذا، چند روزی را دوام بیاورد اما بدون هوا چند دقیقه هم نمی‌تواند صبر کند. بنابراین اخلاق در زندگی آدمی و به عنوان یکی از پایه‌های تشکیل دهنده امت واحده اسلامی نه فقط نقشی کلیدی و مهم که نقشی حیاتی دارد. بر این اساس ایشان با فاجع آمیز خواندن نبود اخلاق و حاکمیت حرص‌ها، هواهای نفس‌ها، جهالت‌ها، دنیا طلبی‌ها، بغض‌های شخصی، حسادت‌ها، بخل‌ها، سوءظن به یکدیگر را منجر به زندگی سخت و تنگی فضا می‌داند. (جهان بین، معینی پور، ۴۶، ۲۹: ۱۳۹۳)

۴. ترسیم حیات طیبه

مقام معظم رهبری پس از تبیین هوشمندانه و آگاهانه مسیر و مولفه‌ها و ابزارهای تمدن‌سازی نوین اسلامی، آینده درخشانی تحت عنوان حیات طیبه، ترسیم می‌نماید که در آن پیشرفت‌های شگرف مادی و علمی و صنعتی با استقرار معنویت و عدالت، جاذبه‌ای در بین آحاد بشر مسلمانان و غیر مسلمانان به وجود خواهد آورد را تحت عنوان حیات طیبه ترسیم می‌نماید.

فرض کنید بیست سال دیگر، سی سال دیگر کشور جمهوری اسلامی را مثلاً با ۲۰۰ میلیون یا ۱۸۰ میلیون یا ۱۵۰ میلیون جمعیت با پیشرفتهای شگرف مادی و علمی و صنعتی و با استقرار معنویت و عدالت؛ ببینید چه میشود؛ چه جاذبه‌ای در بین آحاد بشر -مسلمان و غیر مسلمان- به وجود می‌آورد؛ میخواهند این اتفاق نیفتد. حیات طیبه یعنی این؛ یعنی برویم به سمت یک چنین وضعی برای زندگی کشور؛ انقلاب میخواهد ما را به اینجاها برساند. رفاه، عدالت، نشاط، نشاط کار، شوق کار، علم، فناوری، اینها همه جزو حیات طیبه است؛ در کنار اینها معنویت، رحم، خلیقات اسلامی، سبک زندگی اسلامی، اینها جزو حیات طیبه است. نظم جزو حیات طیبه است؛ این حرکت به سمت حیات طیبه تمام شدنی است. **أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ؛** (۹) این همان صیورت به سمت خدا [است]. بشر به سمت خدا صیورت دارد و جامعه‌ی مطلوب اسلامی آن است که این صیورت در

آن وجود داشته باشد؛ این صیورت تمام شدنی است؛ همین طور به طور دائم ادامه دارد؛ انقلاب این است. (۱۳۹۴/۰۶/۲۵) بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)

نتیجه گیری

برای تحقق تمدن نوین اسلامی باید ابتدا زیر ساخت های سخت افزاری و نرم افزاری آن شکل بگیرد. مقام معظم رهبری در سال های اخیر با تاکید فراوان بر روی دو مفهوم اساسی و کلیدی سبک زندگی اسلامی-ایرانی و تمدن سازی نوین اسلامی سعی بر بنیان گذاری زیر ساخت های ذهنی و انتزاعی و نرم افزاری در حوزه سبک زندگی اسلامی-ایرانی و ارتباط آن با آغاز مسیر پیشرفت در دو بخش متنی و ابزاری، نموده اند.

آنچه ایشان در این سال های متمادی به جد بر انجام آن اصرار می ورزند تغییر مسیر سبک زندگی مربوط به رژیم شاهنشاهی حتی در تفکر افراد جامعه مانند تجملات و تشریفات، اسراف و تبذیر، مصرف زدگی و استفاده از کالای خارجی می باشد. به زعم ایشان ابتدا باید این مسیر حذف و ریل گذاری در جهت تولید نظریه توسط حوزه های علمیه و تولید علم توسط دانشگاه ها و تولید نظریه الگو و کار بست آن در عرصه زندگی که لازمه تحقق دولت اسلامی و انطباق دولت با قواعد و چارچوب های دینی است انجام می شود. حضرت آیت الله خامنه ای پیشرفت در سبک زندگی و تمدن سازی نوین اسلامی را ندانسته و به بررسی علت عدم پیشرفت در این حوزه پرداخته اند. از منظر ایشان باید جامعه نخبگانی و جوانان وارد عرصه شده و علاوه بر شناسایی علل عدم پیشرفت، گفتمان بپوشانند که ناظر به رفع آسیب ها باشد.

همچنین ایشان رصد بی توجهی ها و کم کاری های جبهه خودی و برنامه های با بغض و کینه دشمن را از وظایف جوانان می دانند و بر اساس آن چه در مقاله حاضر آمده است پیشنهاد می شود جامعه ای از جوانان و نخبگان فکری آینده نگر و دلسوز اقدام به تولید نظریه های مدون، کاربردی، آینده نگر، دارای هدف و برنامه نمایند و همچنین مسئولین اجرایی در سطح قوه مقننه و مجریه با قانون گذاری های روان و با قابلیت اجرا و فراهم کردن زمینه حضور جوانان صاحب فکر و پرانگیزه به عرصه های عملی و اجرایی نظام سیاسی، زمینه پیشرفت در حوزه سبک زندگی اسلامی-ایرانی و به دنبال آن زمینه چینی جهت تحقق تمدن نوین اسلامی را فراهم نمایند.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. آیت الله سید علی خامنه ای، *بیانیه گام دوم انقلاب*، ۱۳۹۷
۳. رحمان پور، محمد، سید شریفی، مریم سادات، خانقلی، فاطمه، (۱۳۹۵)، «سبک زندگی اسلامی ایرانی از منظر آیات و روایات و بیانات مقام معظم رهبری»، دومین کنگره بین المللی توانمند سازی جامعه در حوزه مشاوره، خانواده و تعلیم و تربیت اسلامی، تهران
۴. علوی نیا، علی، (۱۳۹۳)، «بررسی نقش دین در سبک زندگی فردی و اجتماعی زنان»، همایش ملی تحکیم بنیان خانواده و نقش زن، مجله معارف، فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۲، شماره ۹۶، (بی جا، بی نام)
۵. مظاهری، حسین، رحیمی، سید داریوش، ابراهیم پور، جمشید، (۱۳۹۶)، «سبک زندگی»، فصل نامه مطالعات تاریخ و تمدن اسلام و ایران، تابستان، شماره ۶
۶. جهان بین، فرزاد، معینی پور، مسعود، (۱۳۹۳)، «فرآیند تحقق تمدن اسلامی از منظر حضرت آیت الله خامنه ای»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم شماره ۳۹، ۲۹-۴۶
۷. صدیق سروستانی، رحمت الله، هاشمی، ضیا، (۱۳۸۱)، «گروه های مرجه در جامعه شناسی و روان شناسی اجتماعی با تأکید بر نظریه های مرتن و فستینگر»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، ۱۴۹-۱۶۷
۸. شریفی، احمد حسین، (۱۳۹۱)، «سبک زندگی به عنوان شاخصی برای ارزیابی سطح ایمان»، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، سال سوم، شماره ۳، ۴۹-۶۲
۹. محمدی، منوچهر، (۱۳۹۴)، *انقلاب اسلامی در بوته آزمون*، تهران، دانش و اندیشه معاصر
۱۰. توین بی، آرنولد، (۱۳۷۶)، *خلاصه دوره دوازده جلدی بررسی تاریخ تمدن*، ترجمه محمد حسین آریا، تهران، امیر کبیر
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۰)، *دین شناسی*، قم، مرکز نشر اسرا
۱۲. امام خمینی، سید روح الله، (۱۳۷۱)، *کوثر، مجموعه سخنرانی های حضرت امام*، تهران، موسسه تنظیم و نشر امام خمینی